

دوره جدید - شماره ۱۰۱ چهارشنبه اول مهر ۸۸
۴ شوال ۱۴۳۰
۲۳ سپتامبر ۲۰۰۹

## مشکلات ناشران خارجی در ایران

**ایلنا:** نمایندگان ناشران خارجی از جمله اصنافی هستند که برای توزیع و نشر کتاب‌های خود همواره نسبت به نحوه مدیریت در این حوزه انتقاداتی را داشته‌اند. مدیران انتشارات آمه امون، نیلگون سپهر و لینکس در گفت‌وگو با ایلنا مشکلات خود را بیان کردند.

**دیدگاه مدیران دولتی به کتاب‌های علمی ماندگ کالاهای تجاری است**
حمید آموزگار مدیر انتشارات آمه با اشاره به قیمت بالای کتاب‌های خارجی در ایران به دلیل عوارض گمرکی معتقد است: متأسفانه به اینگونه کتاب‌های علمی و آکادمیک که برای استفاده اساتید و دانشجویان وارد ایران می‌شود، به چشم کالای تجاری نگاه می‌کنند و مانند کالای تجاری، عوارض گمرکی و مالیات به آنها تعلق می‌گیرد که این باعث افزایش قیمت این کالا در بین کتاب‌فروشی‌ها می‌شود.

وی با تأکید بر این نکته که دولت قصد حذف یارانه را دارد، گفت: تاکنون ۲۲ نمایشگاه بین‌المللی کتاب را پشت سر گذاشته‌ایم که در همه این نمایشگاه‌ها، کتاب‌های خارجی به دلیل یارانه‌های دولتی با قیمتی ارزان‌تر در اختیار علاقه‌مندان و



دانشجویان قرار می‌گیرد در نتیجه فروش این کتاب‌ها در طول سال در کتاب‌فروشی‌ها افت بسیاری دارد، ولی با حذف یارانه‌ها و افزایش قیمت کتاب‌ها طبیعتاً در نمایشگاه نیز با مشکل افت فروش برخورد خواهیم کرد.

آموزگار مشکلات تکثیر غیرمجاز کتاب‌های خارجی را خاطرنشان کرد و گفت: از عمده‌ترین مشکلات کتاب‌فروشی‌ها، حذف یارانه‌ها و کم شدن تیراژها در ایران به صورت غیرمجاز و با کیفیت بسیار پایین است، عده‌ای هستند که این کتاب‌ها را بدون هیچ قانون ضابطه‌ای چاپ و توزیع می‌کنند و من فکر می‌کنم اگر ضوابط و قوانینی در این رابطه وضع شود می‌توان از اشفتگی در این بازار جلوگیری کرد.

**حذف یارانه از کتاب‌های خارجی باعث کاهش فروش می‌شود**
جواد مستعدی مدیر انتشارات لینکس ضمن ابراز ناراضیاتی از حذف یارانه‌های کتاب‌های خارجی افزود: تنها مشکل ما حذف این یارانه‌ها است که باعث کاهش خرید این کتاب‌ها توسط دانشجویان می‌شود و در نتیجه ما دچار افت فروش می‌شویم.

وی در پایان گفت: حذف این یارانه‌ها برای کتاب‌های هنر و معماری بیشتر از سایر کتاب‌ها بوده است.

**نمایشگاه کتاب مهم‌ترین مشکل ناشران خارجی**
خانم کریمی مدیر امور اداری انتشارات سپهر با اشاره به مشکلات موجود در نمایشگاه برای آنها گفت: ما ناشرعی هستیم که کتاب‌ها را سفارش می‌دهیم و خریداری می‌کنیم و در نمایشگاه برای فروش عرضه می‌کنیم و اگر تکلیف برگزاری نمایشگاه مشخص نشود ما نمی‌توانیم کتاب‌های خریداری‌شده را مرجوع کنیم. وی در ادامه از دیرپرداخت بدهی ناشران توسط ارشاد ابراز ناراضی‌ها کرد و گفت: سال گذشته وزارت ارشاد مسؤولیت پرداخت هزینه ناشران خارجی را متقبل شد اما تا اسفندماه سال ۸۷ این پرداختی‌ها به طول انجامید. کریمی افزود: عمده‌ترین مشکل وزارت ارشاد با ناشران خارجی شعب بانک‌های این ناشران است.



علی بزrgیان

۱- در همان ابتدا باید گفت «فایده‌گرایی» نوشته جان استیوارت میل ترجمه روانی دارد. شاید این ترجمه روان از آن رو باشد که مترجم آن همان‌گونه که خود در مقدمه کتاب آورده علاقه و عقیده‌ای به مکتب هدونیسم و یوتیلیتاریسیسم دارد. این ذوق و شغف مرتضی مردیپا را هم می‌توان در ترجمه این کتاب دید و هم در حجم افزودنی‌هایش به کتاب.

۲- در انگلستان انقلاب صنعتی به دومین قرن بحد رسیده بود. تجارت رونق یافته بود و مصرف‌گرایی، که تا قبل از آن در دنیای تجارت جای چندانی نداشت، در حال تغییر دنیا بود. تأکید تازه بر رضایت شخصی طبیعتاً فلسفه تازه‌ای را نیز مطرح می‌کرد؛ فلسفه‌ای که در آن حداکثر خوشبختی فردی غایت نهایی بود. آموزه‌ای که معیار در حوزه‌های اخلاق، سیاست و اقتصاد را در فایده می‌داند. بنیانگذاران این مکتب جرمنی بنتهام و جیمز میل بودند. آنان در آموزه‌های خود امر نیک و سودمند را یکی می‌دانستند. سودمند از چیزی بود که در مقیاسی بالا خوشبختی ایجاد کند. بر مبنای آموزه آنان، هدف کنش انسانی باید ایجاد بیشترین حد سعادت برای بزرگ‌ترین تعداد ممکن از افراد جامعه باشد. فایده مبنای همه فضیلت‌ها است و ارزش‌های ما با سمت‌گیری به سوی لذت تعیین‌شدنی است. بنابراین اخلاق مبتنی‌بر وظیفه و ایده‌آل کمال انسانی ممکن نیست.

جان استیوارت میل که از نظر فکری در مکتب «فایده‌باوری» پرورش ورشد یافته بود، بعدها موضوع عدالت اجتماعی را به یکی از مهم‌ترین مباحث سیاسی و اقتصادی خود تبدیل ساخت. وی در آغاز کتاب مهمش فایده‌گرایی خاطر‌نشان می‌سپارد: نوشته او در خدمت فهم بهتر و قدرشناسی منصفانه‌تر از نظریه «فایده‌باوری» و «خوشبختی» و اثبات آن به رشته تحریر درآمده است. «… اصل فایده (یا چنانکه بنام اخیرا بر آن نام گذاشته، اصل بیشترین خوشبختی)، در ساختن مکاتب اخلاقی، حتی آن مکاتبی که با تمسخر و بی‌اعتنایی برجعیّت خوشحالی در اخلاق را انکار می‌کنند، نقش مهمی داشته است. هیچ مکتب فکری‌ای وجود ندارد که نپذیرد تأثیر افعال بر خوشبختی یکی از مهم‌ترین ملاحظات یا حتی ملاحظه مسلط در بسیاری از انتخاب‌های جاری

اخلاقی است، ولی در عین حال از اعتراف به نقش آن به عنوان اصل بنیادین اخلاق و منشاء تکلیف اخلاقی طفره می‌رود.» (صفحه ۴۹)

۳- میل خوشبختی‌هر فرد را نعمتی برای آن فرد می‌شناسد و نتیجه نعمتی برای کل بشریت است و افزایش فایده و سعادت و لذت، معیاری اخلاقی برای رفتار انسانی محسوب می‌گردد. «سرام و مسلكی که فایده، یا اصل بیشترین خوشبختی، را به عنوان مبنای اخلاقیات می‌پذرد، بر این باور است که اعمال درستند به تناسبی که به افزایش خوشبختی‌خبرگرایش دارند، نادرستند به تناسبی که به افزایش ناخوشبختی‌خبرگرایش دارند. منظور از خوشبختی، لذت و نبود رنج است، و منظور از ناخوشبختی، رنج و محرومیت از لذت است.» (صفحه ۵۷) اما برای میل صرفاً این فایده یا خوشبختی تعیین‌کننده نیست، بلکه همچنین کیفیت و ساختن آن نیز مهم است. به اعتقاد میل، کسانی که تجربه هر دو مسلط لذت - لذت کیفی و لذت معمولی - را داشته باشند، آتی را مقدم می‌دارند که ظرفیت‌های بزرتر آنان را به کار می‌گیرد- تعداد کمی از انسان‌ها ممکن است به این رضایت دهند که به حیوانات فرودست‌تری تبدیل شوند، تا در مقابل، امکان بهره‌وری بیشتری را از لذات حیوانات پیدا کنند. به باور او کسانی اصل فیوق را رد می‌کنند که درمی‌یابند خوشبختی از رضایت متمایز است. پس، «بهرتر است انسانی ناراضی باشم تا خوکی راضی؛ سقراطی ناراضی بهتر است از ابلهی راضی.» (صفحه ۶۸)

۴- میل بر این نظر است که انسان دارای احساسات اخلاقی است که اگرچه طبیعی هستند ولی هم‌را انسان نیستند و باید آنها را از طریق تربیت پرورش داد. میل عدالت را نیز در زمره چنین احساساتی می‌داند و آن را مبتنی‌بر «احساس دلسوزی نسبت به دیگران» ارزیابی می‌کند. «دومولفه احساس عدالت عبارت است از علاقه به کیفر کسی که خسارت وارد آورده است، و آگاهی یا باور نسبت به اینکه شخص یا اشخاصی معینی هستند که قربانی آن خسارت بوده‌اند. الان به نظر می‌رسد که علاقه به کیفر کسی که عامل ضرر و زیان است، به صورت خودجوش، از دو احساس مایه می‌گیرد که هر دو به بالاترین درجه طبیعی‌اند و

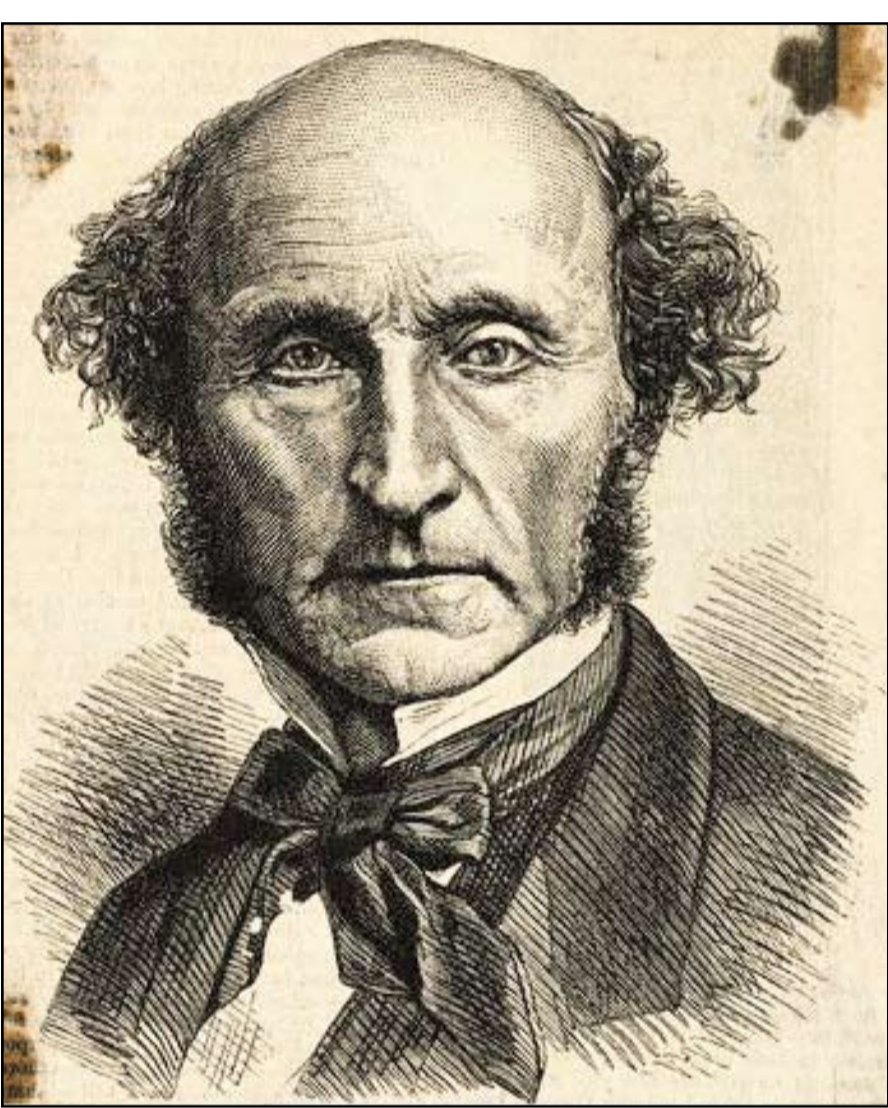
### جشن بی‌کران «همنگوی» بر پرده سینما

می‌کنند. تاریخدانان نیز در این زمینه سهم بسزایی دارند. فلسفه می‌خواهد مفهوم اساسی شهروند را با گفتگویی که ویژه آن است روشن کند. این نکته در کتاب حاضر که نظریه‌های بیش از ۲۰ نفر از بزرگ‌ترین فیلسوفان از ارسطو، کانت، توکویل، آرنت، لاک، روسو، افلاطون، هابز، فیخته و… را در بر دارد آشکار می‌شود؛ به ویژه که نویسنده، هریک از آن نظرها را به دقت تشریح و تحلیل کرده است.

Thoughts@farheekhtegan.com

### درباره ترجمه مرتضی مردیپا از کتاب فایده‌گرایی

# لذت همگانی خیر عمومی



جان استیوارت میل، فیلسوف و اقتصاددان بریتانیایی

گریزی یا شبیه به گرایز هستند کتش نسبت به دفاع از خود، و احساس همدلی و دلسوزی نسبت به دیگران.» (ص ۴۸)

جان استیوارت میل در بررسی پیوند میان «عدالت و فایده» خاطر‌نشان می‌سازد که یکی از بزرگ‌ترین موانع در مقابل پذیرش اینکه فایده یا خوشبختی معیار درست و نادرستی اخلاقی است، از اندگاه عدالت ناشی شده است. «حساس نیرومند و درک ظاهرآ روشنی که این واژه با سرعت و قطعیتی شبیه سهم غریزی احضار می‌کند، آن را در رنگ‌های اکثریتی از متفکران چنان می‌نمایاند که گویی به کیفیتی ذاتی در اشیا اشاره دارد؛ و نشان می‌دهد که امر عادلانه باید همچون چیز مطلقی در طبیعت و ماهیت موجود باشد، که به‌طور کلی متمایز از تغییر و تنوع و مصلحت است و از منظر نظری، متضاد آن است، اگرچه (چنانکه معمولاً اقرار می‌شود) در درازمدت، هرگز از آن واقعا منفک نیست.» (صفحه ۱۲۳)

۵- میل یادآور می‌شود که اخلاقی‌نسانان وظایف اخلاقی را به دو دسته تقسیم می‌کنند: «وظایف اخلاقی تا‌کامل» و «وظایف اخلاقی کامل». دسته اول شامل وظایفی است که عمل کردن به آنها برعهده خود ما گذاشته شده است؛ مانند بخشندگی یا نیکوکاری. اگرچه چنین فضیلت‌هایی وظیفه‌ای اخلاقی محسوب می‌شوند، اما هیچ‌کس نمی‌گوید که مشخصاً کجا و در مورد چه کسی باید اعمال گردند. اما دسته دوم شامل وظایف اخلاقی کامل است که باید آن را همواره در در مورد همگان اعمال کرد. برای او را در دسته دو مورد جای می‌دهد. میل عدالت تبعیض قائل شدن بین افراد یکی از مظاهر بی‌عدالتی است. وی در توضیح تفاوت میان عدالت و فضیلت‌هایی چون سخاوت‌مندی و یا نیکوکاری می‌آورد: «عدالت تضمین بر چیزی است که نه فقط خوب است انجام دهیم و بد است که انجام ندهیم، بلکه چیزی است که کسی می‌تواند آن را به عنوان حق اخلاقی خود از ما طلب کند؛ در حالی که هیچ‌کس در سخاوت و نیکوکاری ما حق اخلاقی ندارد، چون ما هیچ الزام اخلاقی نداریم که آن فضایی را در مورد فرد خاصی اعمال کنیم.» (صفحه ۱۲۷)

۶- جان استیوارت میل در اثرش (فایده‌گرایی) به موضوع عدالت قضایی در نظر میل با الهام از مفهوم ارسطویی «عدالت توزیعی»، به شرح این مفهوم از دیدگاه خود می‌پردازد. به نظر او، اینکه جامعه باید با همه افرادی که در مقیاسی کاملاً برابر به جامعه خدمت کرده‌اند، به‌طور منصفانه یکسان خوب رفتار کند، بالاترین اصل عمومی‌ عدالت اجتماعی و توزیعی است. همه نهادهای اخلاقی و تلاش‌های همه شهروندان در بالاترین مقیاس ممکن باید مبتنی‌بر چنین اصلی باشند. این وظیفه بزرگ اخلاقی، ریشه‌ای زرف دارد، زیرا نه گزاره‌ای مشتق‌شده از اصل‌های ثانوی، بلکه بی‌میانی، برخاسته از عالی‌ترین اصل اخلاقی است، و بخشی از معنای اصل فایده یا بزرگ‌ترین سعادت را در بر می‌گیرد. میل تأکید می‌کند که همه انسان‌ها حق دارند از رفتاری یکسان نسبت به خود



Thoughts@farheekhtegan.com

Thoughts@farheekhtegan.com

برخوردار باشند، مگر اینکه منفعت‌عمومی به رسمیت شناخته‌شده‌ای، عکس آن را ایجاد کند. بنابراین‌هرگونه نابرابری اجتماعی که فایده آن برای جامعه قابل درک نباشد، نه فقط به یک ناسازگاری، بلکه همچنین به یک بی‌عدالتی تبدیل می‌شود و شکل پدیدهای جبرانانه را به خود می‌گیرد و انسان را بعداً به شگفتی وامی‌دارد که چطور توانسته آن را تحمل کند؛ «… هر آنچه از نابرابری‌های اجتماعی که از زمانی به بعداً دیگر مصلحت تلقی نمی‌شده، از آن پس دیگر وصف ساده بی‌مصلحتی، بلکه وصف بی‌عدالتی را به خود می‌گرفته و چنان ظالمانه چهره می‌نموده که مردم شگفت‌زده می‌شده‌اند که چنان ستمی چگونه تا آن مدت تحمل می‌شده است؛ غافل از اینکه چه‌سپا خودشان، در همین زمان، نابرابری‌های دیگری را روا می‌دارند که ذیل تفسیری از مصلحت قرار گرفته که به قدر همان موارد اینک شگفت‌آوراً اشتباه است؛ اشتباهی که وقتی برملا شود، آشکار می‌کند که نابرابری‌هایی که پیش از آن شکی رسوا داشته است.» (صفحه ۱۵۹)

میل نتیجه می‌گیرد که عدالت نامی برای مطالبات معین اخلاقی است که اگر آنها را در کل در نظر بگیریم، در یک درجه‌بندی مربوط به سودمندی اجتماعی، مکانی بالا اشغال می‌کند و به همین دلیل در مقیاسی بالاتر تعهدآور است. عدالت عنوانی مناسب برای حوزه‌ای از سودمندی اجتماعی است که از سایر حوزه‌ها (به استثنای مواردی معین) مهم‌تر، اجتناب‌ناپذیرتر و عاجل‌تر است. ۷- در جمع‌بندی آرای جان استیوارت میل درباره عدالت می‌توان گفت او برابر هرگونه معیاری تخیلی برای عدالتی که مبتنی‌بر فایده نیست، می‌ایستد؛ «بر این باورم که عدالتی که مبتنی‌بر فایده باشد مهم‌ترین و به شکل غیرقابل قیاسی، مقدس‌ترین و تعهدآورترین بخش تمامی اخلاقیات است. عدالت نامی است که بر سطرچی از قواعد اخلاقی نهاده‌اند که ربط نزدیکی با خطوط اصلی بهروزی انسان دارد، و به همین جهت، بیش از هر قاعده هادی زندگی، الزام‌آور است؛ و آن مفهوم است که ما می‌انگشایم لب لباب انگاره عدالت است، یعنی آن حقی که فرد در درون خود می‌یابد اوحوسی عمومی حاکی از عنیبت و قطعیت و بذاهت آن است، در حقیقت[ در بردارنده و تصدیق‌گر همین وجه سخنگیرانه‌تر بودن این تکلیف و الزام است.» (صفحه ۱۵۳) او عدالت را در رفتار یکسان نسبت به همگان و تقسیم عادلانه نعمات مادی با توجه به تفاوت میان افراد تعریف می‌کند. میل خصلت تعهدآور عدالت را مشتق از آن می‌داند که سودمند است و خوشبختی بزرگ عمومی را ایجاد می‌کند. به نظر میل هر فردی با فایده‌ای که می‌سازد، اساساً کل فایده اجتماعی و از طریق آن عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد. اما در شرایط معین تاریخی، نابرابری اجتماعی نیز می‌تواند برای جامعه فایده‌آور باشد. در چنین شرایطی، رفتار برابر نسبت به همگان با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شود، اما تناقض میان علایق مختلف و تضادهای طبقاتی همواره در تاریخ بی‌مورد شده‌اند و سرانجام بر آنها غلبه شده است؛ به عقیده میل، تضادهای چهارچوب نظام اقتصادی سرمایه‌داری نیز از طریق اصلاحات قابل رفع هستند.

می‌پردازد. وی تصریح می‌کند این اصل که «باید به هر کس آنچه را که سزاوار اوست داد» یعنی خوبی را با خوبی و بدی را با بدی تلافی کرد، نه‌تنها در مفهوم عدالت مستتر است، بلکه هم‌زمان موضوع آن احساس پیوسته‌ای است که در ارزش‌گذاری انسان، عدالت را سودمندی خالص بالاتر قرار می‌دهد. بیشتر اصول ابتدایی عدالت که در جهان وجود دارد و به آنها رجوع می‌شود، در خدمت به کرسی شایسته‌ترین همین‌گونه‌اصل‌ها هستند. از جمله اینکه هر کس فقط مسوول آن کاری است که ارادی انجام داده است یا ارادی می‌توانسته مانع آن شود؛ یا اینکه عدالت نسبت کسی را بدون نگاه‌کمه محکوم نیست؛ و یا اینکه مجازات باید با جرم متناسب باشد. اینگونه اصول باید مانع از آن شوند که اصل عادلانه تلافی کردن بدی با بدی مورد سوءاستفاده قرار گیرد. میل نتیجه می‌گیرد بنابراین از این مبانی می‌توان بی‌برد که بی‌طرفی یکی از والاترین فضیلت‌های قضاوت است، زیرا بی‌طرفی پیش‌شرط ضروری استحقاق مبتنی‌بر اقتصاد سرمایه‌داری را تا آنجایی می‌پذیرد که همه اعضای جامعه بتوانند به‌طور مساوی با هم رفتار شایسته داشته‌اند، به‌طور مساوی رفتار شایسته کنند. یعنی با همه کسانی که به‌طور مطلق، شایستگی برابر داشته‌اند.» (صفحه ۱۵۷)

میل با الهام از مفهوم ارسطویی «عدالت توزیعی»، به شرح این مفهوم از دیدگاه خود می‌پردازد. به نظر او، اینکه جامعه باید با همه افرادی که در مقیاسی کاملاً برابر به جامعه خدمت کرده‌اند، به‌طور منصفانه یکسان خوب رفتار کند، بالاترین اصل عمومی‌ عدالت اجتماعی و توزیعی است. همه نهادهای اخلاقی و تلاش‌های همه شهروندان در بالاترین مقیاس ممکن باید مبتنی‌بر چنین اصلی باشند. این وظیفه بزرگ اخلاقی، ریشه‌ای زرف دارد، زیرا نه گزاره‌ای مشتق‌شده از اصل‌های ثانوی، بلکه بی‌میانی، برخاسته از عالی‌ترین اصل اخلاقی است، و بخشی از معنای اصل فایده یا بزرگ‌ترین سعادت را در بر می‌گیرد. میل تأکید می‌کند که همه انسان‌ها حق دارند از رفتاری یکسان نسبت به خود

### کمدی الهی

**مهر:** کتاب «کمدی الهی» نوشته دانته آلیگیری با ترجمه محسن نیکویخت توسط نشر «کتاب پارسه» منتشر شد. نشر این اثر در سخنی که بر آغاز آن نوشته، انتشار آن را «سرازار تلاشی مداوم در ترجمه و نشر و پیش آثاری ماندگار از مشاهیر جهان» دانسته. چاپ نخست کتاب ۱۸۶۰ صفحه‌ای و مصور کمدی الهی در سه مجلد جداگانه و در شمارگان ۲۲۰۰ جلد به تازگی روانه بازار شده است.

مطبوعه ایرانی

شماره ۵۳ مجله گفت‌وگو منتشر شد

## تحلیل جمهوری مهاباد

شماره ۵۳ فصلنامه «گفت‌وگو» به نقد و تحلیل «جمهوری مهاباد» اختصاص دارد. تشکیل جمهوری مهاباد، عصری مهم در تاریخ معاصر ایران است. این دوره با توجه به ضعف دولت مرکزی، حضور دولت‌های انگلیس، روسیه، المان، عثمانی و سپس آمریکا در منطقه بسیار مهم است. جمهوری مهاباد را باید در ظرف زمانی خودش مورد نقد و بررسی قرار داد چرا که با هر نگاهی جز این مساله استقلال خواهی و برافراشتن پرچم استقلال در محدوده داخلی مرزهای ایران به نوعی خیانت تلقی خواهد شد. اگر این نقد و بررسی را از

ظرف زمانی خود مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و نیز این استقلال خواهی را در کنار اعتراض‌ها و استقلال خواهی‌های دیگری که در دیگر نقاط کشور ازجمله آذربایجان و گیلان توسط شیخ‌محمد خیابانی و میرزا کوچک‌خان رخ می‌داد ببینیم یقیناً نتیجه‌ای جدید به دنبال خواهد داشت. این در حالی است که در این جغرافیا پیش از این سیمیتقو علم استقلال برافراشت. اما برآمدن رضاشاه این مسیر را به نین بست کشانید. جنگ جهانی دوم اما عرصه‌ای شد برای طرح مجدد همان خواسته‌ها. از این رو جمهوری مهاباد و فرقه دموکرات آذربایجان دو دهه پس از سرکوب تمام جنبش‌ها در آذربایجان، گیلان و کردستان سربرآورد.

با چنین دستمایه و پیش‌فرضی است که «گفت‌وگو» به بررسی دوره‌ای از تاریخ ایران می‌پردازد که دولت مرکزی چنان در ضعف قرار داشت که حتی زیر بار امضای قرارداد ۱۹۱۹ با انگلیس می‌رود. مقاله اول این مجله را کلاوه بیات با عنوان «رومیسه و تحركات کمیته نجات» نوشته است.

کلاوه بیات پس از بررسی شرایط کشور بعد از سقوط رضاشاه و استقرار قوای روسیه در بخش‌های شمالی ایران که در واقع استان‌هایی ازجمله گیلان، مازندران، آذربایجان، کردستان و… را شامل می‌شد در پاراگراف آخر چنین می‌نویسد: «اگر مواردی از این دست از لحاظ شناسایی زمینه‌بحران اهمیت داشتند ولی همانگونه که اینک می‌دانیم اصل ماجرا به تشکیل کمیته کرد و آسوری برمی‌گشت و برنامه مقامات امنیتی شوروی در آن مقطع برای عملیات جدایی‌طلبانه در کردستان ایران و دیگر موارد مشابه، امری که احتمالاً سرهنگ مهین و دیگر صاحب‌منصبان ایرانی از ابعاد گسترده آن بی‌اطلاع بودند و در صورت شک و تردید نسبت به نیات روسیه نیز با توجه به وضعیت ایران تحت اشغال، امکان طرح و بیان آن وجود نداشت؛ یعنی همان برنامه‌های که از مدت‌زمانی پیش روس‌ها تهیه و تدارک آن را آغاز کرده بودند و گروه باقروف به نحوی عجولانه درصدد اعمال آن برآمد. این برنامه به نحوی که می‌دانیم چهار سال بعد و در مراحل پایانی جنگ، سسر فرصت و با یک هماهنگی و انسجام گسترده‌تر از نو و با بتاعتی به مراتب مخرب‌تر از حوادث زمستان ۱۳۲۰ به مرحله اجرا گذاشته شد ولی این بار مرکز نقل وچه کردی آن به مهاباد منتقل شد.»

مقاله بعدی از سوی «حسان هوشمند» نوشته شده است که عنوان «سال‌های آشوب» را بر خود داد. این مقاله در بخش نتیجه‌گیری خود می‌نویسد: «لگوی جذب رضاشاه… چند ویژگی داشت. از سویی جذب نخنگان شهری همچون قاضی‌محمد و دیگر فعالان شهری، دوم سرکوب عشایر و مقابله با اقتدار آنها و بالاخره تاسیس نهادهای اداری و دولتی در منطقه جهت بسط اقتدار دولت. در این راستا… سرکوب قیام ملاخلیل و زیر نظر گرفتن فعالیت وابستگان و اردوگاه کمونیسم و شوروی در منطقه و نظایر اینها در دستورکار قرار گرفت. با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ از سوی نیروهای شوروی آنها در حوزه شمال و شمال غرب کشور به ویژه آذربایجان غربی مستقر و پس از اشغال منطقه در ماه‌های آتی مانع از فعالیت‌های عادی ارتش و قوای دولتی شدند. در نوبت استناد، قوای انتظامی فعال وابسته با توجه به دخالت

روس‌ها در دامن زدن به آشوب‌های عشایری پس از سال‌ها بی‌تحرکی، عمایر کرد آذربایجان غربی در بی احیای اقتدار از دست رفته خود برآمدند و دوره تازه‌ای از هرج و مرج عشایرفر و در منطقه حکمفرما شد. فعالیت قاضی‌محمد و گروهی دیگر از نخنگان محلی برای استقرار آرامش در این سال‌ها موجب تقویت رابطه این گروه با چهره‌های سرشناس محلی با دولت شد. در این بینن فرصت مناسبی هم برای بررسی از نخنگان کرد عراقی فراهم آمد تا با حضور در منطقه در بسط آرزوهای خود بکوشند. در اثر تلفیق این دو گرایش… اولین حزب سیاسی در مهاباد با نام کومه ژ – کاف

در سال ۱۳۲۱ تاسیس شد. تاسیس این تشکل سیاسی مسیر تازه‌ای در تحولات آتی مهاباد گشود.» سومین مقاله این نشریه را «وادئی کتاب» تحت عنوان «جمهوری مهاباد» نوشته است. این مقاله درواقع ترجمه‌ای است از کتاب «وادئی جویده»

او در این نوشتار سیاست‌های رضاشاه را بر رسیده است و سپس به سیر تکوین جمهوری مهاباد و تلاش‌ها و نقش قاضی‌محمد در آن اشاره می‌کند. «جویده» در این نوشتار به شخصیت قاضی‌محمد اشاره می‌کند و همین ویژگی‌ها را به عنوان دلایل عضویت قاضی در حزب کومه ژ در حالی که قاضی نه از بنیانگذاران این حزب بلکه از کسانی بود که بعدها به عضویت آن درآمد و علت اصلی هم این بود که همه به این نتیجه رسیدند که قاضی تنها کسی است که می‌تواند حزب را بر کردستان مسلط کند.

او در ادامه به نقش شوروی در تحولات مهاباد و نقطه آغازین آن اشاره کرده و به سفر قاضی محمد در سال ۱۹۲۵ به شوروی اشاره می‌کند که پس از بازگشت از این سفر قاضی‌محمد در جلسه‌ای با حضور بزرگان کردستان تشکیل حزب دموکرات کردستان را اعلام می‌کند و سرانجام یک ماه پس از تشکیل جمهوری فرقه دموکرات در تبریز، جمهوری مهاباد در ژانویه ۱۹۲۶ به ریاست قاضی‌محمد اعلام استقلال می‌کند و یک ماه بعد از این تاریخ معاهده همکاری بین جمهوری مهاباد و جمهوری فرقه دموکرات آذربایجان اعلام شد. جویده در مورد چگونگی سقوط جمهوری مهاباد می‌نویسد: «بعد از عقب‌نشینی بازرانی‌ها به نقده، قوای دولتی ایران به سمت مهاباد حرکت کرد. در ۲۶ و ۲۷ دسامبر قاضی‌محمد و پسرعموش سیف‌قاضی دستگیر و زندانی شدند. سحرگاه ۳۱ مارس ۱۹۲۷ (۱۱ فروردین ۱۳۲۶) قاضی‌محمد، برادر فرو ریخت. «مجتبی بزروی» نیز در ادامه مقاله‌ای تحت عنوان «مکریان و اندیشه ایران» نوشته است که به بررسی گذشته و آینده مهاباد و سیاست در میان آذری‌ها و کردهای ایران پرداخته است. در این مقاله همچنین مساله رقابت و پیوند بین این دو قوم ایرانی مورد اشاره قرار می‌گیرد. ادبیات، نشریات، ایدئولوژی و مسائلی از این دست دیگر مواردی است که این مقاله سسر توضیح و بررسی آن را در خطه شمال غرب ایران دارد. «محمدحسین خسروپناه» نیز در این شماره از گفت‌وگو مقاله‌ای تحت عنوان «حزب توده ایران و تحولات کردستان» نوشته است. همان‌طور که از عنوان این مقاله پیدا است بررسی تأثیر و نقش حزب توده در فرقه دموکرات آذربایجان و جمهوری مهاباد موضوع بررسی مقاله این تاریخ‌پژوه است. ترجمه مقاله «جرالد دوسر» تحت عنوان «کردها و فرقه دموکرات آذربایجان» مقاله دیگر این ویژه‌نامه است که به بررسی ارتباط بین کردها با گروه سیاسی آذری‌ها می‌پردازد. چنانچه می‌دانیم کردها تحت تأثیر این فرقه قرار گرفته بودند و جمهوری مهاباد نیز پس از اعلام موجودیت این فرقه تاسیس شد. همچنین به نوعی می‌توان بازمانده پشت پرده در دوی این جمهوری را «باقروف» صدر هیات‌رئیسه جمهوری آذربایجان شوروی دانست که قاضی‌محمد نیز در روزی می‌پیمانش بود. این شماره را کلاوه گفت‌وگو در بخش پایانی خود اختصاص به درج چند خبر و گزارش کوتاه با موضوعات روز و سپس معرفی کتاب دارد. اما اهمیت مجله گفت‌وگو همواره به ویژه‌نامه‌هایی است که منتشر می‌کند و ویژه‌نامه این شماره آن در مورد جمهوری مهاباد بود. مجله گفت‌وگو در هر شماره اختصاص به موضوع ویژه‌ای دارد.